



معاونت پژوهش‌های
بنیادین

مجلس

نشست علمی

تعليق فرآيند قانون گذاري از طريق اظهار نظر مجله شوراي نگهبان نسبت به مصوبه

■ شماره مسلسل: ۱۴۰۲-۵

■ تاريخ: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱



شناسنامه

عنوان:

نظرات شاخص شورای نگهبان

تعلیق فرآیند قانون‌گذاری از طریق اظهار نظر مجمل

شورای نگهبان نسبت به مصوبه

(اظهار نظر شماره ۹۶/۱۰۰/۱۴۱۸ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ شورای نگهبان ناظر به لایحه

«معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره» مصوب

مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۶/۲/۱۹)

تحقیق و تنظیم:

سید حسن حیدری

ناظران علمی:

دکتر حامد نیکونهاد

کمال کدخدامرادی

شماره مسلسل: ۱۴۰۲۰۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

پژوهشکده شورای نگهبان



پیشگفتار

صیانت از شریعت مقدس اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسالت مقدسی است که زمینه گسترش و تحقق کامل عدالت در نظام جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌آورد و سرمایه اجتماعی نظام را بیش از پیش مستحکم می‌سازد. شورای نگهبان نهادی اساسی است که در جهت صیانت از این دو هنجار برتر، صلاحیت‌هایی چون نظارت بر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با موازین شرع و قانون اساسی، تفسیر قانون اساسی، نظارت بر انتخابات و نظارت شرعی بر قوانین و مقررات را بر عهده دارد. عمده این کارویژه‌ها در نظرات این شورا اعم از نظرات تفسیری (موضوع اصل ۹۸ قانون اساسی)، نظرات تطبیقی (تطبیق مصوبات مجلس با موازین شرع و قانون اساسی)، نظرات مشورتی (نظراتی که نصاب لازم تفسیر را کسب نمی‌کنند) و نظرات شرعی فقهای شورای نگهبان (موضوع اصل ۴ قانون اساسی) منعکس می‌شود.

اهمیت تتبع و انعکاس در این نظرات بر کسی پوشیده نیست؛ چه آنکه شورای نگهبان، هنگامی که در قامت مفسر رسمی قانون اساسی ظاهر می‌شود، با ارائه تفسیری لازم‌الاتباع از اصول قانون اساسی، اجرای مفاد این قانون را ممکن می‌سازد؛ یا هنگامی که به تطبیق مصوبات مجلس با موازین اسلامی و قانون اساسی می‌پردازد، نقش صیانت‌گرایانه خویش را از اصول قانون اساسی ایفا می‌کند و یا هنگامی که در مقام اعمال نظارت شرعی بر می‌آید، مبنای دینی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و شرعی بودن کلیه قوانین و مقررات را تضمین و عینیت می‌بخشد. بر همین اساس و باتوجه به تأثیرات انکارناپذیر این نظرات بر کلیت نظام حقوق اساسی کشور، مطالعه و تحلیل ابعاد گوناگون آن‌ها حائز اهمیت می‌باشد.

در همین راستا، پژوهشکده شورای نگهبان به عنوان بازوی پژوهشی این شورا، طرح پژوهشی «بازخوانی تحلیلی نظرات شاخص شورای نگهبان» را با هدف تحلیل مبانی، آثار و نقاط قوت و ضعف نظرات شاخص و نیز کشف ظرفیت‌های شورای نگهبان در تحول و تکامل نظام حقوقی و آسیب‌شناسی مسائل مهم و تأثیرگذار آن

از خلال بازخوانی این نظرات، در قالب سلسله نشست‌هایی طراحی نمود که دستاوردهای آن هم‌اکنون پیش روی اندیشمندان و پژوهشگران قرار دارد.

منظور از «نظرات شاخص» در این طرح، آن دسته از نظراتی است که تأثیری ویژه بر نظام حقوقی نهاده‌اند، به نحوی که یا تحولی بنیادین در نظام حقوقی را رقم زده‌اند، یا شکل‌گیری رویه‌ای نوین را سبب شده‌اند و یا رویکردی خلاف رویکردهای مشهور را در پیش گرفته‌اند.

روش اجرای طرح نیز بدین صورت است که نظری شاخص در دستور کار هر نشست قرار می‌گیرد و هریک از پژوهشگران براساس سند پشتیبان تهیه‌شده از سوی دبیر جلسه، پیشاپیش به مطالعه سند و موضوعات مرتبط با دستور جلسه می‌پردازند و در حین برگزاری نشست، نتایج مطالعات خود را با سایر پژوهشگران به بحث و اشتراک می‌نهند. گزارش پیش‌رو، روایت نکات مطرح شده در جلسات است که توسط دبیر هر جلسه به رشته تحریر درآمده است.

ذکر این نکته ضروری است که این اثر نیز همچون سایر آثار بشری، خالی از نقصان و اشتباه نبوده و از تمامی صاحب‌نظران عرصه حقوق عمومی دعوت می‌شود تا با بیان کاستی‌های موجود در این اثر، موجبات رشد و ارتقای آن در چاپ‌های بعدی را فراهم آورند.

لازم به ذکر است که این گزارش، نظرات اعضای حاضر در جلسه بوده و بیانگر نظر پژوهشکده شورای نگهبان نمی‌باشد.

پژوهشکده شورای نگهبان

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

شناسنامه نشست

«نشست بررسی و تحلیل نظر شماره ۹۶/۱۰۰/۱۴۱۸ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ شورای نگهبان پیرامون مصوبه «ماده واحده لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره» مصوب ۱۳۹۶/۲/۱۹ مجلس شورای اسلامی با موضوع «تعلیق قانون‌گذاری از طریق اظهار نظر مجمل» با حضور پژوهشگران پژوهشکده شورای نگهبان به شرح ذیل (به ترتیب حروف الفبا) در تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۸ برگزار شد:

آقایان:

۱. مهدی ابراهیمی، ۲. علی آریان‌نژاد، ۳. بهنام امیدی، ۴. دکتر محمدرضا اصغری شورستانی، ۴. دکتر محمدحسن باقری، ۵. علی‌رضا جعفرزاده، ۶. سیدحسن حیدری، ۷. وحید حیدری، ۸. محمد خزایی، ۹. مهدی خطیب، ۱۰. محمدجواد شفق، ۱۱. دکتر علی فتاحی زفرقندی، ۱۲. محمدصادق فراهانی، ۱۲. حمید فعلی، ۱۳. دکتر مصطفی مسعودیان، ۱۴. دکتر حامد نیکونهاد، ۱۵. محمد مهدی همتی فقیه.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۲
چکیده.....	۶
مقدمه.....	۷
۱. امکان‌سنجی اظهار نظر اجمالی شورای نگهبان.....	۹
۱-۱. دیدگاه صلاحیت شورای نگهبان در اظهار نظر اجمالی.....	۹
۲-۱. دیدگاه عدم صلاحیت شورای نگهبان در اظهار نظر اجمالی.....	۱۱
۳-۱. راهکارهای پیشنهادی جمع میان دو دیدگاه امکان و عدم امکان	
اظهار نظر اجمالی.....	۱۴
۲. نسبت اصول ۹۴ و ۹۵ با اصل ۴ قانون اساسی.....	۱۵
۳. وضعیت حقوقی مصوبه مجلس شورای اسلامی در صورت عدول	
شورای نگهبان از مغایر دانستن آن.....	۲۰
جمع‌بندی.....	۲۱
منابع برای مطالعه بیشتر.....	۲۳

چکیده

دغدغه ابتدای کلیه قوانین و مقررات کشور با موازین اسلامی در اصل چهارم قانون اساسی منعکس شده و لزوم این امر بر اطلاق یا عموم دیگر اصول قانون اساسی حاکم گردیده و از سوی دیگر در اصل ۹۴ شورای نگهبان در بررسی مصوبات از جهت انطباق آن‌ها با شرع و قانون اساسی مقید به یک بازه ده روزه شده است. در بیان نسبت میان این دو اصل، بر اساس رویه شورای نگهبان به استناد نص اصل چهارم، این اصل حاکم بر اصل ۹۴ بوده و از این رو مهلت زمانی ده روزه در نظارت شرعی جاری نخواهد بود. این برداشت سبب شده تا شورای نگهبان در برخی از اظهارنظرهای خود، از جمله اظهارنظر مورد بحث در این گزارش، در بازه ده روزه به صرف اعلام مغایرت اکتفا کرده و بیان ماده یا مواد مغایر با موازین شرعی در مصوبه و وجه مغایرت آن به زمان نامعلوم دیگری موکول شود. مبنای حقوقی چنین اظهارنظری نیازمند تحلیل و بررسی حقوقی بوده و این مسأله که شورای نگهبان در بررسی شرعی خود آیا مقید به بازه زمانی بوده و آیا ملزم به بیان وجه مغایرت هست یا خیر نیازمند بررسی می‌باشد.

واژگان کلیدی

شورای نگهبان، نظارت شرعی، اصل چهارم، قانون اساسی، نظم در حکمرانی، تعلیق مصوبات مجلس.

مقدمه

ابتنای تمامی قوانین و مقررات کشور بر موازین اسلامی یکی از اصلی‌ترین آرمان‌های مردم ایران در انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ بوده و این امر از سوی نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منعکس گردید. بر اساس این اصل، کلیه قوانین و مقررات کشور باید بر اساس موازین اسلامی بوده و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان گذاشته شده است. از طرفی با توجه به اهمیت بالای این موضوع برای مردم و نمایندگان این مجلس، اصل چهارم بر قوانین، مقررات و بر اطلاق یا عموم دیگر اصول قانون اساسی حاکم شد.

مقتن اساسی جمهوری اسلامی ایران همچنین در اصول ۹۴ و ۹۵ در مقام بیان سازوکار نظارتی شورای نگهبان نسبت به مصوبات مجلس شورای اسلامی، آن شورا را ملزم به بررسی آن‌ها در مهلت ده روزه و در صورت استمهال حداکثر طی بیست روز، دانسته و عدم تشخیص مغایرت مصوبه در مهلت مزبور از سوی شورا را برابر با قابل اجرا بودن آن قرار داده است. اصل ۹۴ بیان می‌دارد: «کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر اینصورت مصوبه قابل اجرا است».

شورای نگهبان در مقام بررسی برخی از مصوبات مجلس شورای اسلامی، هر چند در مهلت قانونی نظر خود را اعلام کرده اما با بیانی مجمل و بدون ذکر وجه مغایرت، صرفاً به اعلام مغایر بودن مصوبه با شرع اکتفا کرده و با موکول کردن بیان وجه مغایرت به زمان دیگری عملاً موجب جلوگیری از تبدیل مصوبه به قانون شده است.

به عنوان نمونه، شورای نگهبان در بررسی «ماده واحده لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره» مصوب ۱۳۹۶/۲/۱۹ در اظهار نظر نخست خود به شماره ۱۴۱۸/۱۰۰/۹۶ به تاریخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ بیان داشته است: «این مصوبه

دارای اشکالات متعدد شرعی است که متعاقباً به تفصیل اعلام خواهد شد»^۱. در اظهار نظر دوم در این خصوص شورای نگهبان طی نظری به شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۰۰ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ با عدول از نظر سابق خود اعلام کرد: «با بررسی‌های به عمل آمده، مصوبه مذکور خلاف موازین شرع تشخیص داده نشد»^۲.

مجلس شورای اسلامی در مواجهه با چنین اظهار نظری سازوکار تعیین شده‌ای نداشته و علاوه بر سردرگمی، به صورت بلا تکلیف باقی می‌ماند. با این توضیح که از یک طرف شورای نگهبان مصوبه مجلس را خلاف شرع اعلام می‌کند و لذا مجلس نمی‌تواند آن را جهت ابلاغ به رئیس جمهور ارسال کند. از طرف دیگر با توجه به اینکه ماده یا مواد مغایر و وجه مغایرت مصوبه با شرع بیان نشده، مجلس شورای اسلامی امکان اصلاح آن را نخواهد داشت.

۱. همچنین شورای نگهبان اظهار نظرهای مشابه دیگری در این زمینه داشته که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱: اظهار نظر شورای نگهبان به شماره ۹۸/۱۰۲/۱۱۹۰۴ مورخ ۱۳۹۸/۶/۲۰ راجع به «طرح ساماندهی صنعت خودرو»: «... ۲-۳- در خصوص میزان تاثیر هر کدام از اسباب در حادثه و مسئولیت آنها، نظر فقهای معظم شورای نگهبان، متعاقباً اعلام می‌گردد...».

<https://slink.shora-gc.ir/VNa2P>

۲: اظهار نظر شورای نگهبان به شماره ۹۷/۱۰۲/۷۴۵۰ مورخ ۱۳۹۷/۸/۶ راجع به «لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم»: «... ۲۲- در خصوص اشکالات و ایرادات شرعی معاهدات و کنوانسیون‌های مصوب قبل از انقلاب اسلامی (مذکور در پیوست کنوانسیون) متعاقباً اعلام نظر خواهد شد...».

<https://slink.shora-gc.ir/Nciuz>

۳: اظهار نظر شورای نگهبان به شماره ۹۶/۱۰۰/۱۴۱۹ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ راجع به «لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان»: «... علاوه بر ایراد فوق، مصوبه دارای اشکالات متعدد دیگر شرعی است که متعاقباً به تفصیل اعلام خواهد شد».

<https://slink.shora-gc.ir/f6Rlx>

۴: اظهار نظر شورای نگهبان به شماره ۸۰/۲۱/۲۱۸۳ مورخ ۱۳۸۰/۰۶/۲۷ راجع به «طرح اصلاح موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰»: «... این مصوبه خلاف قانون اساسی شناخته نشد؛ لکن علاوه بر ایرادات مذکور تعدادی از مواد این مصوبه از لحاظ شرعی در دستور جلسه شورای نگهبان قرار دارد؛ چنانچه ایراد شرعی دیگری باشد برابر بند ۲ نامه شماره ۷۶۶/۲۱/۷۹ مورخ ۶/۶/۷۹ این شورا متعاقباً اعلام می‌گردد».

<https://slink.shora-gc.ir/mjRXp>

2. <https://slink.shora-gc.ir/h4iNm>

یکی از مهمترین سؤالات ناظر به این بحث آن است که آیا اظهار نظر مجلس رافع تکلیف شورای نگهبان بوده و همچنین آیا اساساً شورای نگهبان صلاحیت تعویق اظهار نظر را در چارچوب قانون اساسی دارا می‌باشد. بر فرض وجود چنین صلاحیتی، اثر حقوقی این تعویق چه بوده و در مقابل مجلس شورای اسلامی در این حالت چه وظیفه‌ای خواهد داشت. بررسی این موضوع با توجه به ابهامات ناظر به آن می‌تواند بر نظام قانون‌گذاری کشور اثر مستقیم داشته باشد.

در این گزارش سه محور امکان‌سنجی صلاحیت اظهار نظر اجمالی شورای نگهبان، نسبت اصول ۹۴ و ۹۵ با اصل ۴ قانون اساسی و عدول شورای نگهبان از نظر خود به همراه جمع‌بندی ارائه می‌گردد.

۱. امکان‌سنجی اظهار نظر اجمالی شورای نگهبان

۱-۱. دیدگاه صلاحیت شورای نگهبان در اظهار نظر اجمالی

۱. دغدغه اصلی قائلین به صلاحیت شورای نگهبان در اظهار نظر اجمالی، شرعی بودن تمامی قوانین و مقررات جاری و لازم‌الاجرا در کشور است. از همین‌رو این هدف نسبت به ساختارها و تشریفات تقدم پیدا می‌کند. در نتیجه این نگاه، فقیه شورای نگهبان در هر مرحله و هر زمان که یک مصوبه را مغایر با شرع ببیند می‌بایست آن را اعلام کرده و مانع از اجرای آن شود؛ لذا ممکن است در بازه زمانی قانونی به حجیت لازم برای تأیید یا رد نرسیده باشد و بر همین اساس، اظهار نظر تفصیلی را به زمان دیگری موکول نماید. چنانچه مجلس شورای اسلامی در این زمینه با شورای نگهبان اختلاف نظر داشته باشد می‌تواند از سازوکار اصل ۱۱۲ قانون اساسی و ارجاع امر به مجمع تشخیص مصلحت نظام استفاده کند ولی نمی‌توان از فقیه شورای نگهبان انتظار اظهار نظر بدون کسب حجیت داشت.

۲. اصل چهارم قانون اساسی و اصل شرعی بودن تمامی قوانین و مقررات کشور به عنوان یک اصل فرادستوری و هنجار برتر شناخته شده است. از لوازم این امر

آن است که فقهای شورای نگهبان به عنوان مجری آن بتوانند هر اقدامی از جمله تعلیق قانون‌گذاری را انجام دهند. در غیر اینصورت فرادستوری بودن آن بی معنا خواهد بود.

۳. بر اساس اصل ۹۴، شورای نگهبان موظف است چنانچه مصوبه مجلس شورای اسلامی را مغایر با شرع ببیند آن را برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. بر این اساس، شورای نگهبان هیچ تکلیفی مبنی بر اعلام وجه و جزئیات مغایرت شرعی به مجلس شورای اسلامی ندارد. اظهارنظر مورد بحث در خصوص لایحه «معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره» نیز از نظر قانون اساسی کاملاً صحیح می‌باشد، چرا که شورای نگهبان در مهلت قانونی خود مصوبه مجلس را بررسی و مغایرت آن با شرع را اعلام کرده است. تنها نکته قابل توجه در این زمینه آن است که به استناد اصول قانون اساسی، شورای نگهبان تنها موظف است تأیید یا رد مصوبه را به اطلاع مجلس برساند و هیچ جای اصول تصریحی بر ضرورت بیان علت رد وجود ندارد. از طرف دیگر، از آنجاکه شورای نگهبان از ابتدای تأسیس خود بیان وجه مغایرت یک مصوبه با شرع را اعلام می‌کرده است، لذا تبدیل به عرف و رویه اساسی کشور شده است و اما این مسأله ریشه‌ای در قانون اساسی ندارد و لذا ایرادی به شورای نگهبان وارد نمی‌باشد.

۴. تمسک به نظم در حکمرانی و امنیت حقوقی - قضایی شهروندان جهت ایجاد تکلیف برای شورای نگهبان وجهی ندارد، چراکه اولاً این موارد خود باید برخاسته از قانون اساسی یک کشور باشد و در چارچوب همان قانون اساسی فهمیده شود نه آنکه بر آن تحمیل گردد و ثانیاً در تزامن میان نظم در حکمرانی یا امنیت حقوقی - قضایی با شرعی بودن قوانین و مقررات کشور قاعداً باید شرعی بودن قوانین و مقررات مقدم شود چراکه معیار در تزامن تقدیم مورد اهم می‌باشد.

۲-۱. دیدگاه عدم صلاحیت شورای نگهبان در اظهار نظر اجمالی

۱. مطابق با یک رویکرد که مغایر با مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران هم به نظر می‌رسد، صورت مسأله اصلی در این موضوع «نظم در حکمرانی» باشد. نزاع اصلی حول این مسأله شکل می‌گیرد که یک نظر قائل به تضمین آرمان‌ها از طریق تشریفات و رعایت نظم در حکمرانی بوده اما نظر دیگر به استناد تکلیف شرعی، خود را مقید به این تشریفات و چارچوب‌ها نمی‌داند. خاصیت اصلی توقیت چیزی جز رعایت نظم در حکمرانی و به تبع آن صیانت از امنیت حقوقی و قضایی شهروندان نیست. شهروندان باید بتوانند برای زندگی خود برنامه‌ریزی کرده و اقدامات حاکمیت برای آن‌ها پیش‌بینی‌پذیر باشد و نقض ساختارها به این مهم آسیب می‌زند. این در حالی است نظم حقوقی و انتظام حکمرانی در هر کشور مبتنی بر قانون اساسی آن کشور طراحی می‌گردد و لزوم اسلامی بودن همه قوانین و مقررات به عنوان اصلی فرا دستوری در اصل ۴ قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته است. مبتنی بر همین گزاره اقتضاء نظم حقوقی و حکمرانی اسلامی بودن همه قوانین و مقررات کشور است که همه قواعد شکلی و ماهوی در چارچوب آن تعریف می‌گردد.

۲. نه تنها هیچ تعارضی میان پابندی به ساختارها و تشریفات و همچنین تضمین آرمان‌ها و شرعی بودن قوانین وجود ندارد بلکه نفس این ساختارها برای صیانت از تمامی آرمان‌ها و جمع میان آن‌ها بوده است. مقید بودن شورای نگهبان به یک بازه زمانی به معنای غیرشرعی شدن قوانین نمی‌باشد. با توجه به شرایط موجود برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی از جمله اعتقاد و التزام عملی به اسلام که در ماده (۲۸) «قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی»^۱ مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ ذکر

۱. ماده ۲۸ - انتخاب شوندگان هنگام ثبت نام باید دارای شرایط زیر باشند:

۱: اعتقاد و التزام عملی به اسلام.

گردیده، اصل در مصوبات آن‌ها عدم مغایرت با موازین اسلامی است. شورای نگهبان نیز می‌تواند در یک بازه زمانی معقول این مصوبات را بررسی کند؛ لذا نفس توقیت، مانعی از این حیث نبوده و اگر این موضوع پذیرفته نشود نمی‌توان هیچگونه صلاحیت مقررہ‌گذاری برای دولت قائل بود و در همه موارد باید پیش از لازم‌الاجرا شدن آن‌ها ابتدا برای بررسی به شورای نگهبان فرستاده شوند که این مسأله اصلاً قابلیت اجرایی ندارد. چنانچه شورای نگهبان یک مصوبه را خارج از مهلت مقرر واجد ایراد ببیند، هرچند تاکنون فرایند مشخصی برای آن پیش‌بینی نشده اما بی‌تردید باید به استناد اصل چهارم جلوی اجرای آن گرفته شود. این ادعا که زمان پیش‌بینی شده در اصول ۹۴ و ۹۵ برای بررسی مصوبات مفصل کافی نمی‌باشد، نیز قابل قبول نیست چراکه اعضای شورای نگهبان می‌توانند با استفاده از ظرفیت اصل ۹۷ قانون اساسی^۱ مشابه سال‌های نخستین تأسیس این شورا در دهه شصت در مجلس شورای اسلامی حضور داشته و ضمن بررسی پیش‌نویس مصوبات در جریان مشروح مذاکرات و نظرات مختلف قرار گرفته و در فاصله زمانی کمتری به اظهارنظر بپردازند. همچنین می‌توانند کارشناسان خود را در این زمینه گسترش دهند ولی نمی‌توانند امورات کشور را معطل و متوقف کنند.

۳. فقهای شورای نگهبان در بررسی شرعی مصوبات تنها صلاحیتی که از نظر قانون اساسی دارا می‌باشند این است که چنانچه مصوبه را خلاف شرع ببینند آن را به مجلس بازگردانند. این بدین معنی است که از منظر قانون اساسی اصل بر عدم

۲: التزام عملی به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران

۳: ...

...

۱. اصل ۹۷: اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.

مغایرت بوده و اعلام مغایرت از سوی فقهای شورای نگهبان مانع لازم‌الاجرا شدن آن خواهد بود. از این‌رو چنانچه به هر دلیلی اعلام مغایرتی از سوی فقها صورت نپذیرد، مانع مفقود بوده و مصوبه قابل اجرا می‌گردد.

۴. در اصل ۹۵ قانون اساسی بیان گردیده «در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهار نظر نهائی کافی نداند، می‌تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود». نفس پیش‌بینی فرایند استمهال در قانون اساسی قرینه‌ای بر این مطلب است که قانون‌گذار اساسی، شورای نگهبان را مقید به بازه ده روزه دانسته و از این‌رو فرایند استمهال را نیز برای مواردی که مهلت ده روزه کافی نباشد، در آن پیش‌بینی کرده است. همچنین به استناد ماده (۱۹۸) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی^۱ که به تأیید شورا رسیده، شورای نگهبان موظف است علت رد مصوبه را صریحاً به مجلس گزارش نماید. این حکم قانونی که نسبت به شورای نگهبان لازم‌الرعايه می‌باشد، نافی صلاحیت شورای نگهبان در اظهار نظر اجمالی تلقی می‌گردد.

۵. اجمال در اظهار نظر از سوی شورای نگهبان منجر به تحدید اختیار قانون‌گذاری مجلس می‌شود. توضیح آنکه، چنانچه شورای نگهبان وجه مغایرت و ماده مغایر را به مجلس شورای اسلامی اعلام نکند، مجلس نمی‌تواند ماده مغایر را اصلاح کرده و ایراد شورا را رفع کند. توجه به اصل ۹۴ قانون اساسی که برای مجلس اختیار تجدیدنظر در مصوبه را در نظر گرفته نشان می‌دهد مجلس باید صلاحیت اصلاح آن را داشته باشد لکن چنین اظهارنظری از سوی شورای نگهبان عملاً این اختیار را تحدید می‌کند. علاوه بر آن، قانون اساسی به صراحت دلالت بر صلاحیت

۱. ماده ۱۹۸- مصوبات مجلس تا زمان اعلام نظر نهائی شورای نگهبان از دستور خارج نمی‌شود. شورای نگهبان، در صورت رد مصوبات مجلس، موظف است علت رد را صریحاً به مجلس گزارش نماید تا بلافاصله تکثیر و توزیع شود.

عام مجلس در قانون‌گذاری داشته به نحوی که این صلاحیت نباید مورد خدشه قرار گیرد. به طور مثال اصل ۶۳ حکم می‌کند که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد و اصل ۷۱ صلاحیت عام مجلس برای قانون‌گذاری در حدود قانون اساسی را مورد حکم قرار می‌دهد. از مجموع این قرائن مشخص می‌شود از منظر قانون اساسی، صلاحیت قانون‌گذاری مجلس نباید از هیچ جهتی غیر از خود قانون اساسی محدود یا متوقف گردد.

۳-۱. راهکارهای پیشنهادی جمع میان دو دیدگاه امکان و عدم امکان اظهار نظر اجمالی

۱. صورت مسأله اصلی این بحث جمع میان ساختارها و آرمان‌ها است. از طرفی نباید قوانین و مقررات کشور مغایر با موازین اسلامی باشد و از طرف دیگر نظم حکمرانی و امنیت حقوقی جامعه نیز نباید خدشه‌دار گردد. به نظر می‌رسد یکی از تجربه‌های موفق در این زمینه، ماده (۴۷۷) «قانون آیین دادرسی کیفری»^۱ است. در این ماده، قانون‌گذار به دنبال آن است که هیچ رأی مغایر شرعی در محاکم قضایی کشور وجود نداشته باشد. از طرفی نظام قضایی کشور را معطل بررسی پیشینی آراء نکرده و تمام آراء را پس از طی فرایند قانونی، لازم‌الاجرا دانسته است. بر اساس این ماده، چنانچه رئیس قوه قضائیه یک رأی را خلاف بین شرع تشخیص دهد آن را به دیوان عالی ارجاع می‌دهد. مشابه این فرایند در ماده (۷۹) «قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»^۲ پیش‌بینی شده است. در این موارد

۱. ماده ۴۷۷- در صورتی که رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره از هر یک از مراجع قضائی را خلاف شرع بین تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصیص می‌یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر نماید. شعب خاص مذکور مبنیاً بر خلاف شرع بین اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به عمل می‌آورند و رأی مقتضی صادر می‌نمایند ...

۲. ماده ۷۹- در صورتی که رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان رأی قطعی شعب دیوان را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهند، رئیس دیوان فقط برای یک بار با ذکر دلیل پرونده را برای رسیدگی ماهوی و صدور رأی به شعبه هم عرض ارجاع می‌نماید. رأی صادر شده قطعی است ...

مشاهده می‌شود که با رعایت اصل صحت و معطل‌نشدن سیستم قضایی کشور، جمع مناسبی میان تشریفات حقوقی و صیانت از شرع صورت پذیرفته که می‌توان مشابه آن را برای چنین مسأله‌ای طراحی کرد.

۲. برای حل معضل جمع میان ساختارها و آرمان‌ها، ابتدا شورای نگهبان باید خود را مقید به بازه‌های زمانی مقرر در اصول ۹۴ و ۹۵ بداند و پس از آن حضور خود را در فرایند تقنین بیشتر و فعالانه‌تر کرده تا با محدودیت زمانی مواجه نشود. برای تضمین اجرای اصل ۴ و امکان نظارت بر قوانین لازم‌الاجرا در کشور، مجلس شورای اسلامی می‌تواند ضمن طراحی سازوکارهای کارآمد اقدام به قانون‌گذاری کرده و فرایند مناسب برای نظارت شورای نگهبان را به تصویب رساند. به طور مثال چنانچه شورای نگهبان یکی از قوانین لازم‌الاجرا را مغایر با شرع تشخیص دهد، در صورتی که در یک بازه زمانی آن قانون اصلاح نشود به طور خودکار در دستور نخست مجلس قرار گیرد. در این صورت مجلس موظف به رسیدگی به آن خواهد بود.

۳. چنانچه فرایند قانون‌گذاری در این مسأله به هر دلیل پاسخگو نباشد می‌توان از ظرفیت تفسیر قانون اساسی به استناد اصل ۹۸ استفاده کرد و با تفسیر اصل ۴ ضمانت اجرای نظارت فقهای شورای نگهبان بر قوانین و مقررات مشخص گردد. با این حال اگر هیچ یک از این روش‌ها منجر به حل این مسأله نگردد شایسته است از ظرفیت بند «۸» اصل ۱۱۰ قانون اساسی استفاده شود و موضوع به عنوان معضل نظام از طریق مجمع تشخیص مصلحت تعیین تکلیف شود.

۲. نسبت اصول ۹۴ و ۹۵ با اصل ۴ قانون اساسی

۱. بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی باشد و این اصل بر اطلاق یا عموم دیگر اصول قانون اساسی نیز حاکم شده است. این بدین معناست که اصل چهارم قانون اساسی بر اصول ۹۴ و ۹۵ و قیود آن از جمله بازه‌های ده و بیست روزه نیز حاکم خواهد بود. از این‌رو شورای نگهبان در

بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی از حیث شرعی بر خلاف بررسی آن از حیث قانون اساسی، مقید به بازه زمانی مذکور نبوده و می‌تواند نظر خود را در هر زمانی اعلام کند. همین امر در ماده (۱۹)^۱ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان مصوب ۱۳۷۹/۴/۲۲ شورای نگهبان نیز منعکس گردیده است.^۲ علت اینکه در بررسی مصوبات از حیث عدم مغایرت با قانون اساسی همچنان قیود زمانی لازم‌الاجرا بوده اما در خصوص بررسی شرعی این مهلت جاری نیست، همان دلالت اصل چهارم قانون اساسی است. این اصل تنها ضرورت عدم مغایرت قوانین و مقررات با موازین اسلامی را مورد حکم قرار داده و آن را بر دیگر اصول قانون اساسی حاکم کرده است و از این رو، این اختیار محدود به مغایرت شرعی خواهد بود.

۲. اصل چهارم قانون اساسی بعد از ذکر لزوم اسلامی بودن تمامی قوانین و مقررات، مفاد این حکم را بر «اتلاق» یا «عموم» دیگر اصول قانون اساسی «حاکم» کرده است. «اتلاق» بر شیوع و گسترش لفظ به اعتبار معنا و احوال آن دلالت دارد که البته ناشی از دلالت وضعی لفظی نباشد. «عموم» نیز به معنای شمول و فراگیری یک لفظ نسبت به مصادیق خود است، البته به این شرط که شمول مذکور به دلیل وضع این لفظ برای آن مصادیق باشد. وجه شباهت اطلاق و عموم در شمول و فراگیری این دو نسبت به افراد و مصادیق‌شان می‌باشد و وجه تمایز این دو اصطلاح در آن است که دلالت مطلق بر افراد و مصادیقش از نوع دلالت عقلی و به واسطه

۱. ماده ۱۹- اعلام مغایرت قوانین و مقررات یا موادی از آن‌ها با شرع با توجه به اصل چهارم قانون اساسی، در هر زمان که مقتضی باشد توسط اکثریت فقهای شورای نگهبان انجام می‌یابد و تابع مدت‌های مذکور در اصل نود و چهارم قانون اساسی نمی‌باشد ...

۲. بنا بر آنچه که در مشروح مذاکرات بررسی «لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان» و «لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره» آمده است، یکی از فقهای محترم شورای نگهبان از بررسی شرعی مصوبات به یک «واجب موسع» تعبیر می‌کنند که مورد تأیید عضو حقوقدان دیگر شورا قرار می‌گیرد.

مقدمات حکمت است، در حالی که دلالت عام بر مصادیقش از نوع دلالت وضعی و به واسطه الفاظی مانند هر، همه و مانند اینهاست^۱. همچنین، «حکومت» به معنای آن است که یک دلیل بر دلیل دیگر از باب سیطره در دلالت مقدم شود؛ خواه از باب خارج ساختن فردی از حکمی و خواه از باب وارد کردن فردی در حکمی باشد^۲. با توجه به مقدمه بیان شده عده‌ای با رویکردی مغایر با مبانی نظام اسلامی و قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران، حکومت اصل ۴ بر اطلاق و عموم اصول دیگر به معنای آن نیست که به استناد اصل ۴ می‌توان سایر اصول را ابطال کرد یا از اثر انداخت؛ بلکه به این معناست که می‌توان از انعقاد اطلاق یا عموم برای یک اصل جلوگیری کرد. لذا چنانچه اصل یا اصولی از قانون اساسی به صورت عام یا مطلق بوده و مشتمل بر مصادیق متعددی که برخی از آنها مغایر شرع هستند، باشند؛ فقها می‌توانند با استناد به این اصل، مصادیق مزبور را از شمول اصل خارج کنند. به نظر می‌رسد اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی، اطلاق یا عمومی از این حیث ندارند تا محکوم اصل ۴ قانون اساسی باشند و مهلت ده روزه مذکور در اصل ۹۴ یک «قید» بوده و در واقع جزء قدر متیقن این اصل محسوب می‌شود. از این رو به استناد اصل ۴ قانون اساسی نمی‌توان از این مهلت دست کشید. این در حالی است که فاقد وجاهت بودن این استدلال واضح و مبرهن است. در این خصوص باید بیان نمود که با توجه به مقدمات بیان شده بدیهی است که چنانچه برداشتی از قانون اساسی صورت گیرد که مغایر با موازین اسلامی باشد و یا اقتضاء آن برداشت مغایرت اصل یا اصولی از قانون اساسی با موازین اسلامی باشد اصل ۴ بر آن برداشت حاکم خواهد بود کما این که اصل ۹۴ و ۹۵ و مواعید مذکور در آن نیز از این کلیت مستثنی نیست.

۱. ولائی، عیسی؛ فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول؛ تهران: چاپ ششم، ۱۳۸۷، ص ۲۹۷.

۲. همان، ص ۱۷۸.

۳. ممکن است گفته شود در ذیل اصل ۹۴ قانون اساسی در یک فرض به صورت «مطلق» مصوبه «قابل اجرا» دانسته شده است؛ چراکه بنابر ذیل اصل ۹۴، چنانچه شورای نگهبان یک مصوبه را مغایر با شرع یا قانون اساسی ببیند به مجلس باز می‌گرداند و در «غیر این صورت» مصوبه قابل اجرا خواهد بود. با توجه به این که حکم مذکور شامل مصوباتی می‌شود که شورای نگهبان بعد از مهلت مقرر در خصوص مغایرت آن‌ها اعلام نظر کرده است، از این حیث دارای «اطلاق» است و این اطلاق محکوم اصل ۴ می‌باشد چراکه منجر به وجود قوانین مغایر با موازین اسلامی در کشور می‌شود. این برداشت صحیح می‌باشد و تا این مقدار مورد پذیرش است اما باید توجه داشت این تلقی منجر به بی‌اعتباری مهلت زمانی مذکور در اصل ۹۴ نمی‌شود. بر اساس این دیدگاه، شورای نگهبان موظف خواهد بود در بازه ده روزه نظر خود را اعلام کند لکن چنانچه خارج از این مهلت مغایرت دیگری تشخیص دهد باید آن را اعلام کرده و نظر شورای نگهبان قطعی است. همین مطلب در مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ذیل اصل ۹۴ نیز آمده و در آن جا شهید بهشتی در پاسخ به سؤالی در خصوص این اصل مبنی بر اینکه در صورت عدم اظهار نظر شورای نگهبان در مهلت زمانی مقرر، مصوبه ولو خلاف شرع باشد قابل اجرا خواهد بود، بیان می‌دارند: «عرض بنده این است وقتی ما نوشتیم «در غیر این صورت» معنایش این است که اگر یک چیزی را مجلس شورای ملی تصویب کرده ده روز فرصت قائلیم برای کنترل این که مخالف با اسلام و قانون اساسی نباشد و می‌گوییم بعد از این ده روز قابل اجرا است، حال اگر بعد از ده روز محرز شد که برخلاف اسلام و قانون اساسی است باید برایش راه حلی فکر کنیم»^۱.

۱. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی؛ تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۹۵۷.

۴. تفکیک صورت گرفته در خصوص التزام به بازه زمانی ده روزه در بررسی مصوبات از حیث قانون اساسی و عدم تقید به آن در بررسی از حیث شرعی، از نظر قانون اساسی بلاوجه می‌باشد. توضیح آنکه همانگونه که از متن اصل ۹۴ مشخص است تفکیکی میان بررسی از حیث شرعی و بررسی از حیث قانون اساسی وجود ندارد. در همین راستا مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نیز ذیل اصل ۹۴ به صراحت بر مقید بودن شورای نگهبان به این مهلت هم از حیث شرعی و هم از حیث قانون اساسی دلالت داشته و وجه آن را معطل‌نشدن امورات کشور دانسته است. نائب رئیس مجلس در این زمینه بیان می‌دارد: «ما می‌خواهیم شورای نگهبان اگر در طی ده روز مسامحه‌ای کرد و قانونی را بر نگردانید مسائل معطل نماند. بنابراین خواستیم یک اجبار و الزام عملی داشته باشد شورای نگهبان بداند پس از ده روز هرگونه خلافی باشد به عهده اوست و مقید باشد در طی ده روز نظر مخالفش را بدهد و اگر نظر مخالفش را نداد خود به خود معلوم می‌شود که قانون قابل اجرا است»^۱. در نتیجه نظارت شورای نگهبان در خصوص انطباق مصوبات با شرع، همچون نظارت آن شورا از حیث قانون اساسی مقید به بازه‌های زمانی مذکور در اصول ۹۴ و ۹۵ بوده و تفاوتی میان این دو در قانون اساسی وجود ندارد. البته از توجه به این نکته نباید غافل بود که وجود این الزام به معنای عدم امکان اعلام مغایرت شرعی نسبت به یک قانون الزام‌آور نیست چرا که این صلاحیت برآمده از اصل ۴ قانون اساسی می‌باشد.

۵. میان اصل ۴ و اصل ۹۴ از نظر موضوعی نسبتی وجود نداشته و این دو اصل اصلاً ناظر به یکدیگر نیستند. توضیح آنکه اصل ۴ قانون اساسی مقرر کرده که «قوانین» و «مقررات» کشور بر اساس موازین اسلامی باشند اما اصل ۹۴ ناظر به «مصوبات» بوده و سازوکار نظارت شورای نگهبان بر آن را بیان کرده است. «مصوبه» مرحله

ماقبل قانون بوده و از این رو اصلاً مشمول اصل ۴ نمی‌باشد. لذا می‌توان گفت مهلت زمانی ده روزه برای بررسی مصوبات به هیچ عنوان نمی‌تواند محکوم اصل ۴ قانون اساسی تلقی شده و به استناد آن از این مهلت زمانی رفع ید کرد. از این رو با توجه به عدم امکان تمسک به اصل ۴، اصول ۹۴ و ۹۵ اعتبار کامل خود را حفظ کرده و شورای نگهبان موظف خواهد بود در نظارت شرعی خود بر مصوبات مجلس شورای اسلامی مقید به مهلت‌های زمانی مذکور در آن‌ها باشد. البته این امر به معنای عدم صلاحیت شورای نگهبان در اعلام مغایرت شرعی یک قانون پس از بازه‌ی زمانی ۱۰ روزه نیست.

۳. وضعیت حقوقی مصوبه مجلس شورای اسلامی در صورت عدول شورای نگهبان از مغایر دانستن آن

۶. شورای نگهبان در اظهار نظر خود در رابطه با لایحه «معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره»، پس از اظهار نظر اولیه و اجمالی خود مبنی بر مغایرت با شرع، مصوبه مذکور را مغایر با شرع تشخیص نداد. سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود آن است که در صورت عدول شورای نگهبان از رد یک مصوبه، آیا آن مصوبه تبدیل به قانون می‌گردد یا اینکه نیازمند طی مجدد فرایند تقنین است. بنا بر یک نظر، با توجه به اینکه شورای نگهبان از نظر سابق خود عدول کرده و قاعدتاً آن مصوبه مغایرتی با شرع و قانون اساسی ندارد و همچنین تمامی مراحل تصویب را به صورت صحیح گذرانده لذا باید برای ابلاغ به رئیس جمهور ارسال شده و تبدیل به قانون گردد. اما بنا بر نظر دیگر که اقوی به نظر می‌رسد، با توجه به اینکه شورای نگهبان در مهلت مقرر نظر خود را مبنی بر مغایرت مصوبه اعلام داشته است، آن مصوبه اعتباری نداشته و چنانچه مجلس شورای اسلامی لازم بداند باید مجدداً فرایند تصویب را طی کند چراکه آن اراده تقنینی سابق باقی نبوده و نیازمند اراده‌ای جدید است.

جمع‌بندی

تطابق کلیه قوانین و مقررات کشور با شرع و موازین اسلامی آرمان بلند انقلاب اسلامی بوده و می‌بایست در راستای تحقق آن همواره کوشید. از طرفی حکمرانی صحیح اقتضای نظم و صیانت از تمامی آرمان‌ها و اهداف را داشته و نقض برخی به جهت حفظ برخی دیگر جز در موارد عدم امکان جمع، قابل پذیرش نمی‌باشد.

قائلین به امکان اظهار نظر اجمالی از سوی شورای نگهبان معتقدند به جهت صیانت از شرعی بودن تمامی قوانین و مقررات و همچنین تقدم آرمان‌ها بر حفظ تشریفات و ساختارها، شورای نگهبان صلاحیت اظهار نظر اجمالی را دارا می‌باشد. اما در مقابل برخی به استناد اموری از جمله قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی که به صراحت شورای نگهبان را موظف به بیان علت رد یک مصوبه دانسته معتقدند در نظام حقوقی کشور اظهار نظر اجمالی از سوی شورای نگهبان پذیرفته نیست. هر چند شورای نگهبان مستند به اصل ۴ قانون اساسی امکان اعلام مغایرت قانون الزام‌آور با موازین شرعی را خواهد داشت.

به عنوان پیشنهاد برای جمع میان دو نظر نیز با هدف تضمین کامل آرمان مذکور در اصل چهارم باید سازوکار نظارت پسینی شورای نگهبان طراحی شود؛ چراکه غالباً اشکالات قوانین پس از ورود به عرصه اجرا مشخص شده و در آن زمان می‌توان انطباق لازم با شرع را بررسی کرد. برای طراحی چنین سازوکاری می‌توان از ظرفیت قانون‌گذاری، تفسیر قانون اساسی و یا حتی ارجاع امر به عنوان معضل نظام به مجمع تشخیص مصلحت استفاده کرد.

مسئله قابل بحث دیگر نسبت میان اصول ۹۴ و ۹۵ با اصل ۴ قانون اساسی بوده که تأثیر آن مقیدبودن یا نبودن شورای نگهبان به موعد زمانی مشخص در اظهار نظر خود است. بنا بر یک دیدگاه حکومت اصل چهارم قانون اساسی بر اصول دیگر از جمله ۹۴ و ۹۵ و قیود آن‌ها که در ذیل اصل چهارم مورد تصریح قانون‌گذار اساسی واقع شده و از این رو فقهای شورای نگهبان در اظهار نظر شرعی تقیدی به بازه‌های زمانی مذکور در اصول ۹۴ و ۹۵ نخواهند داشت.

بنا بر دیدگاه دیگر با توجه حکومت اصل ۴ بر «عموم یا اطلاق» اصول دیگر قانون اساسی و عدم ذکر حکمی عام یا مطلق در اصول ۹۴ و ۹۵، حکومتی در این خصوص برقرار نبوده و شورای نگهبان حتی در اظهارنظر شرعی نیز مقید به بازه‌های مذکور در اصول ۹۴ و ۹۵ خواهد بود. در نهایت نیز باید گفت چنانچه شورای نگهبان پس از اعلام مغایرت از نظر خود عدول کند، مصوبه سابق تأیید نشده و نیازمند اراده تقنینی جدید خواهد بود.

برای تعمیق مباحث مطرح شده در نشست حاضر می‌توان پژوهش‌های دیگری در ارتباط با موضوع این نشست مطرح کرد. به طور مثال بررسی کفایت یا عدم کفایت زمان‌های مقرر در اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی در خصوص اعمال نظارت شورای نگهبان از این دست موضوعات است. همچنین طراحی سازوکارهای مطلوب ابطال قوانین و مقررات مغایر با شرع جهت اجرای اصل چهارم قانون اساسی از اصلی‌ترین و محوری‌ترین چالش‌های مرتبط با شورای نگهبان تلقی می‌شود. جمع میان نظم در حکمرانی و نظارت شرعی در پرتوی نظرات و رویه‌های شورای نگهبان از دیگر موضوعات قابل بحث در این رابطه محسوب می‌شود. به طور ویژه بررسی مسأله مرور زمان در دعاوی حقوقی و نگاه شورای نگهبان به آن و همچنین شباهت‌ها و تفاوت‌های مرور زمان با سازوکار اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی، می‌تواند در حل چالش‌های مشابه راهگشا باشد. در نهایت توجه به جایگاه و کارکرد قاعده فقهی مصلحت در فرایند اعمال نظارت شورای نگهبان نیز می‌تواند جنبه‌های جدیدی از نظم در حکمرانی را روشن سازد.

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. پروین، خیرالله، حمید افکارسرنند و میثم درویش‌متولی، «حکومت اصل چهارم بر عموم و اطلاق اصول قانون اساسی»، مجله حکومت اسلامی، سال ۱۷، شماره ۴، ۱۳۹۱، ۱۰۹-۱۳۲.
۲. درویشوند، ابوالفضل و سیدمحمد هادی راجی، «تحلیلی بر نظارت بر قوانین و مقررات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، حکومت اسلامی، سال ۱۶، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، ۱۰۳-۱۳۲.
۳. هدایت‌نیا، فرج‌الله و محمد کاویانی، بررسی فقهی - حقوقی شورای نگهبان، تهران: مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.



امام خمینے (ره)

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که با کمال دقت و قدرت وظایف اسلامی و ملی خود را ایفا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه‌ای جلوگیری نمایند.



تهران | خیابان شهید بهشتی
خیابان سرافراز | کوچه پنجم | پلاک ۱۱

www.ccri.ac.ir

کد پستی ۱۵۹۷۸۵۶۱۱۳
دبیرخانه ۰۲۱۸۸۵۳۳۴۲۲



پژوهشکده شورای نگهبان